

# آثار فراسرزمینی جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری

علیرضا ایران‌شاهی<sup>۱</sup>

دکترای حقوق خصوصی، وکیل پایه یک دادگستری

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۶/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۰/۱۱/۱۵

## چکیده

مهم‌ترین هدف اعتراض به رأی داوری ممانعت از اجرای آن در داخل کشور مبدأ؛ و حسب مورد در خارج از این کشور و در قلمرو دیگر کشورها می‌باشد. علاوه بر آثار نتیجه‌نهایی اعتراض به رأی داوری، از جمله ابطال آن، صرف جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری نیز می‌تواند واجد آثاری در سطوح داخلی و خارجی باشد. احتمال ممانعت از لازم الاجرا شدن رأی داوری در سطح جهانی و نیز امکان تعلیق اجرا و تعویق تصمیم‌گیری در خصوص اجرای رأی داوری در کشور یا کشورهای مقصد تا تعیین تکلیف قطعی دادرسی اعتراض به رأی داوری مربوطه در کشور مبدأ، مهم‌ترین آثار فرا سرزمینی جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری می‌باشد. واژگان کلیدی: اعتراض به رأی داوری، اجرای رأی داوری، کشور مبدأ، کشور محل تقاضای اجرای رأی، تعلیق اجرای رأی داوری

## مقدمه

آثار اعتراض به رأی داوری، چه کاملاً داخلی و چه تجاری بین‌المللی، قابل تقسیم به دو قسم می‌باشد. آثار جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری و آثار نتیجه‌این دادرسی<sup>۲</sup> طبیعی است که آثار قسم نخست، به تبع اصل خود، موقتی و ناپایدار بوده و با معلوم و مشخص شدن نتیجه قطعی دادرسی اخیر جای خود را به آثار این نتیجه، که به تبع اصل خود پایدار و دائمی است، خواهد داد. هر یک از آثار نیز خود به دو قسمت سرزمینی و فرا سرزمینی و یا به عبارتی داخلی و خارجی قابل تقسیم است. آثار سرزمینی اعتراض به رأی داوری، به ویژه در خصوص اعتراض به رأی داوری تجاری بین‌المللی که معمولاً در کشوری بی‌طرف صورت می‌پذیرد و ممکن است طرفین فاقد اموال و علقه خاصی در آن باشد فی‌نفسه از حساسیت چندانی برخوردار نیست. طبیعی است که احکام دادگاه‌های هر کشور در قلمرو سرزمینی آن، نهایت اثر را از خود بر جای نهاده و طبق قوانین کشور

1. Email: alireza\_iranshahi@yahoo.com

۲. در خصوص آثار مهم‌ترین نتیجه دادرسی اعتراض به رأی داوری ر.ک: به مقاله «اثر فرا سرزمینی احکام ابطال آراء داوری تجاری بین‌المللی» از همین نویسنده، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۸، ویژه‌نامه شماره ۳.

مربوطه مورد حمایت کامل قرار خواهند گرفت. مهم‌ترین مباحث در خصوص آثار اعتراض به رأی داور، اعم از آثار جریان دادرسی اعتراض به رأی داور و یا نتیجه دادرسی مذکور، مربوط به اثر فرا سرزمینی آن می‌باشد.

آثار جریان دادرسی اعتراض به رأی داور از این جهت واجد اهمیت می‌باشد که از یک طرف ممکن است صرف اعتراض به رأی داور و یا حتی مهلت آن از لازم الاجرا شدن رأی داور، ولو برای مدت بسیار کوتاه، ممانعت به عمل آورد و بدین طریق امکان اجرای آن در سطوح داخلی و خارجی فراهم نگردد و از طرف دیگر، در صورت لازم الاجرا شدن رأی داور در کشور مبدأ، ولو برای مدت بسیار کوتاه، از اجرای آن در دیگر کشورها جلوگیری کرده و تصمیم‌گیری در خصوص اجرای آن را تا تعیین تکلیف نهایی وضعیت رأی داور در کشور مبدأ به تعویق اندازد. این امر به ویژه از آن جهت مورد توجه است که ممکن است دادرسی اعتراض به رأی داور مدّت طولانی به درازا بکشد و محکوم‌له داور در این مدت، به‌رغم چشم‌انداز واقعی و امکان قدرتمند ابطال رأی داور در دادگاه‌های کشور مبدأ، موفق به اجرای آن در دیگر کشورها گردد.

اینک آثار فرا سرزمینی جریان دادرسی اعتراض به رأی داور را در دو مبحث تقسیم‌بندی و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. نخست ممانعت از لازم الاجرا شدن رأی داور در سطح جهانی و دوّم تعلیق اجرای رأی داور در دیگر کشورها. در این نوشتار، تحقیق و بررسی عمدتاً با تکیه بر کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسایی و اجرای آراء داور خارجی، که مهم‌ترین سند بین‌المللی همه‌جانبه راجع به داور است،<sup>۱</sup> صورت پذیرفته است.

### ۱- ممانعت از لازم الاجرا شدن رأی داور

عدم امکان اجرای رأی داور در سطح جهانی به علت جریان دادرسی اعتراض به رأی داور و یا امکان قانونی طرح آن در کشور مبدأ، می‌تواند وفق صدر ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک، به همراه دیگر علل جلوگیری‌کننده از لازم الاجرا شدن رأی داور، از آثار دادرسی اعتراض به رأی داور باشد. اگر بر اساس قانون کشور مبدأ صرف دادرسی اعتراض به رأی داور و یا بقای مهلت طرح آن مانعی در مقابل الزام آور شدن رأی داور باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و در مهلت پیش‌بینی شده برای اعتراض، رأی داور هنوز الزام آور نشده و در واقع از الزام آور شدن رأی داور تا پایان روند قضایی مربوطه جلوگیری می‌نماید. در

۱. اغلب قریب به اتفاق کشورهای جهان، به ویژه تمام کشورهای مهم تأثیرگذار در حوزه تجارت بین‌الملل و داورهای تجاری بین‌المللی، متعهد این کنوانسیون هستند.

چنین وضعیتی معترض می‌تواند در هر کشور متعاهد کنوانسیون نیویورک، با اثبات مطرح بودن دادرسی اعراض به رأی داوری در کشور مبدأ و الزام‌آور نبودن رأی داوری، وفق صدر ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک مانع اجرای رأی داوری گردد. لذا در صورت توفیق محکوم علیه داوری در طرح صحیح دعوی اعراض به رأی داوری در دادگاه‌های کشور مبدأ و پذیرش دادگاه‌های مبدأ جهت رسیدگی به این تقاضا،<sup>۱</sup> ممکن است حسب قانون کشور متبوع رأی داوری، جریان دادرسی اعراض به رأی در کشور مبدأ وفق صدر ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک، مانعی برای شناسایی و اجرای رأی داوری در کشور مقصد به شمار رود. در خصوص مبنا و زمان الزام‌آور شدن رأی داوری دیدگاه‌های متفاوتی مطرح گردیده است که در اینجا به دو دسته از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

#### ۱-۱- دیدگاه نخست

دیدگاه نخست نظر نویسندگانی است که مبنای الزام‌آور شدن رأی داوری و تعیین زمان آن را قانون کشور مبدأ می‌دانند. این دیدگاه مورد حمایت نویسندگان متعددی با گرایش‌ها و سلیقه‌های گوناگون قرار گرفته است.<sup>۲</sup> مهم‌ترین استدلال‌ها در حمایت از این دیدگاه، چنین برشمرده شده است: استدلال نخست مبتنی بر ساختار ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک و بیان صریح این ماده در وابستگی رأی داوری به وضعیت آن در کشور مبدأ است. استدلال دوم مبتنی بر این عقیده است که ماهیت الزام‌آوری رأی داوری نمی‌تواند در خلأ به وجود آید و می‌بایست از یک نظام حقوقی که الزام‌آوری آن را به رسمیت بشناسد ناشی گردد. استدلال سوم نیز چنین است که جامعه جهانی با تصویب کنوانسیون نیویورک همچنان نقش دادگاه مبدأ را، به عنوان یک نقش اساسی و بنیادین، حفظ کرده است. لذا فراموش کردن این واقعیت و بیان اینکه کنوانسیون نیویورک بر آن بوده است

۱. چون ممکن است دادگاه مبدأ معترض را به هر دلیل واجد شرایط ندانسته دعوای او را استماع ننماید، مثلاً به علت انقضاء مهلت اعراض یا عدم رسیدگی به اعتراض به علت عدم تکمیل نواقص دادخواست ظرف مهلت مقرر.

2. See for example Van den Berg, Albert Jan, "The New York Arbitration Convention of 1958", Kluwer Law and Taxation Publishers, 1981, pp.339-346; Gaillard, Emmanuel, & Savage, John, "Fouchard, Gaillard, Goldman on International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 1999, p.974; Gaja, Giorgio, "International Commercial Arbitration-New York Convention", 1984, IC3; Wetter, Gillis, "The International Arbitral Process: Public and Private", Vol.2, 1979, p.404; Robert, Jean, L. Arbitrage-Droit Interne-Droit International prive 408(5th ed 1983); Batiffol, H., Note Following Court of Appeals of the Hague, 1972, Societe Europeenned'Etudes et d'Entreprises v. RepubliqueSocialiste Federative de Yougoslavie, 1974 Rev.Arb.311, 330 all in Gaillard & Savage, op.cit, p.974.

سلجوقی، محمود، حقوق بین‌الملل خصوصی (جلد دوم - تعارض قوانین و تعارض صلاحیت دادگاه‌ها)، نشر میزان، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۶، ص ۵۳۷-۵۳۸. البته نویسنده اخیر، اثر بین‌المللی رأی داوری را نیز منوط به صدور دستور اجرای رأی داوری بین‌المللی از سوی مراجع قضایی کشور مبدأ دانسته است که امروزه، پس از تصویب کنوانسیون نیویورک و از بین رفتن قاعده اجرائیه دو گانه، قابل دفاع نیست.

که یک رأی «خارجی» بتواند، به روشی کاملاً غیرمحملی شده، صرفاً از کنوانسیون ناشی گردد، دشوار خواهد بود (Gaillard & Savage, op.cit: 974-975).

با این حال، برخی از نویسندگان اخیر که قائل بر تبعیت وصف الزام آور بودن رأی داور از کشور مبدأ هستند، معتقد هستند که دادرسی اعتراض به رأی داور نمی‌تواند اثری بر الزام آور بودن رأی داور داشته باشد. آنان این امر را یک «اصل» کنوانسیون نیویورک دانسته‌اند (Ibid. 976).

به نظر می‌رسد که قول به وجود یک اصل در خصوص عدم تأثیر دادرسی اعتراض به رأی داور بر لازم الاجرا بودن آن قولی صواب و منطبق با واقعیات داور، به ویژه داورهای تجاری بین‌المللی، در اطراف و اکناف جهان است. با تدقیق در قوانین و رویه قضایی اکثر قریب به اتفاق کشورها در می‌یابیم که بر اساس این منابع داخلی، معمولاً صرف جریان دادرسی اعتراض به رأی داور مانع ایجاد خاصیت الزام آور رأی داور نمی‌گردد و به‌رغم طرح این دعوی در کشور مبدأ، رأی واجد این وصف و قابل اجرا خواهد بود. البته این اصل، همانند اغلب اصول داورهای تجاری بین‌المللی،<sup>۱</sup> به مفهوم یک قاعده حقوقی الزامی و لازم الاتباع برای کشورها نیست و صرفاً نشانگر جهت و تمایل جامعه جهانی به این سمت است. دلیل آن نیز تبعیت کامل وضعیت رأی داور در سطح بین‌المللی، از وضعیت رأی داور در کشور متبوع است و استثناء نمودن وضعیت بین‌المللی رأی داور از آثار دادرسی اعتراض به آن فاقد عامل موجهه است.

اما دیدگاه نویسندگان فوق‌الذکر در پذیرش اولیه قاعده تبعیت وضعیت رأی داور در سطح بین‌المللی از وضعیت آن در کشور مبدأ و سپس استثناء نمودن مهم‌ترین دلیل وجودی آن، که همان دادرسی اعتراض به رأی داور و نتایج آن است، ضمن عدم تطبیق با مقررات کنوانسیون نیویورک، بیانگر نوعی تناقض آشکار در دیدگاه نویسندگان فوق است. پذیرش قاعده تبعیت وضعیت رأی داور در عرصه بین‌المللی از وضعیت آن در عرصه ملی ما را به لوازم عقلی و منطقی آن نیز ملتزم می‌سازد. با تدقیق در قوانین کشورهایایی که در آن‌ها رأی داور به محض صدور قابل اجرا نیست معلوم می‌گردد که دادرسی اعتراض به رأی داور و مهلت طرح آن مهم‌ترین مانع لازم الاجرا شدن رأی داور و چه بسا در برخی کشورها یگانه مانع این امر است. لذا در صورتی که مهم‌ترین عامل وجودی قاعده تبعیت وضعیت رأی داور در سطح بین‌المللی از وضعیت آن در کشور مبدأ، یعنی دادرسی اعتراض به رأی داور و نتایج آن، از تحت شمول قاعده مستثنی گردد، دیگر سخن راندن از قاعده‌ای که فاقد موضوع و اثر واقعی است، بی‌معنی خواهد بود.

۱. همچون اصل ممنوعیت بازنگری ماهوی رأی داور و اصل عدم مداخله دادگاه‌ها در روند داور.

برخی نویسندگان، به رغم پذیرش لزوم مراجعه به نظام حقوقی کشور مبدأ برای تعیین وضعیت رأی داوری، با مبنا قرار گرفتن کامل قانون کشور مبدأ برای تشخیص شرایط و زمان لازم الاجرا شدن رأی داوری مخالف هستند. این نویسندگان خود قابل تقسیم به دو گروه هستند.

گروه اول از این نویسندگان قائل بر این هستند که مفهوم الزام آور باید مستقلاً و البته بر مبنای قانون کشور مبدأ، با تفکیک بین شکایات عادی و فوق العاده از آراء، مورد بررسی قرار گیرد. در این تفسیر، رأی الزام آور رأیی است که نتواند در کشور مبدأ موضوع شکایات عادی که مستلزم تجدید نظر ماهوی از رأی داوری به دیوان داوری تجدید نظر یا دادگاه‌های دولتی است، قرار گیرد، اگر چه بتواند موضوع شکایات فوق العاده قرار گیرد (Van den Berg, op.cit: 339-346). دیدگاه اخیر از این جهت به دیدگاه نخست نزدیک است که در هر دو، قانون کشور مبدأ مبنای الزام آور شدن رأی داوری دانسته شده است، اما بین این دو دیدگاه تفاوت عمده وجود دارد. در دیدگاه نخست، قاضی کشور محل اجرا خود هیچ دخالتی در مورد الزام آور بودن یا نبودن رأی داوری در کشور مبدأ ننموده و موضوع به طور کامل تابع قانون کشور مبدأ خواهد بود. اما در دیدگاه دوم، قاضی کشور محل اجرا با نظر به قانون کشور مبدأ و تفکیک طرق عادی و فوق العاده شکایت از رأی داوری در آن کشور، در خصوص الزام آور بودن یا نبودن آن تصمیم‌گیری می‌نماید، ولو اینکه نتیجه آن آشکارا با موضع و دیدگاه صریح قانون کشور مبدأ در خصوص زمان الزام آور شدن رأی داوری متفاوت باشد. مثلاً اگر قانون کشور مبدأ، همچون قانون فرانسه، طرق فوق العاده شکایت از رأی داوری را نیز مانع اجرای رأی داوری بداند، با این تفسیر، چنین رأیی لازم الاجرا خواهد بود. دیدگاه‌های فوق‌الذکر در رویه قضایی مورد متابعت برخی دادگاه‌ها قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

گروه دوم نویسندگان<sup>۲</sup> فوق‌الذکر نیز چنین اظهار نظر کرده‌اند که اصطلاح رأی الزام آور در واقع مترادف با اصطلاح رأی نهایی مندرج در کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو است. بدین معنا که لازم الاجرا شدن رأی داوری لزوماً منوط به بسته شدن تمام ابواب اعتراض به رأی داوری، اعم از طرق عادی یا فوق العاده، می‌باشد. این دیدگاه نیز همچون دیدگاه‌های مذکور، قانون کشور مبدأ را مورد استفاده قرار می‌دهد، اما همانند دیدگاه دوم، قانون مبدأ به تمامی، ملاک تعیین زمان و شرایط لازم الاجرا بودن رأی داوری نیست. در این دیدگاه، رأی برای لازم الاجرا شدن می‌بایست در کشور مبدأ نهایی<sup>۳</sup> شده باشد، ولو اینکه خود قانون کشور مبدأ رأی داوری غیرنهایی را نیز لازم الاجرا تلقی

1. See. Van den Berg, Albert Jan; "New York Convention of 1958, Commentary Cases", Yearbook of Commercial Arbitration, Kluwer Law and Taxation Publishers, Volume XII, 1987, p.462.

2. Goldman, Berthold, "Arbitrage (Droit International Prive) in Encyclopedie Dalloz-Droit International", 288(1986) in Gaillard & Savage, op.cit, p.972.

۳. به مفهوم مورد استفاده در کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو.

کرده باشد. در واقع در این دیدگاه، کنوانسیون نیویورک همان قاعده مندرج در کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو را تکرار نموده است، با این تفاوت که در اینجا بار اثبات نهایی شدن رأی داوری بر عهده خواهان نیست و خواننده، در صورت اعتراض، می‌تواند با اثبات غیرنهایی بودن رأی در کشور مبدأ، از اجرای آن در سایر کشورها جلوگیری کند.

#### ۱-۲- دیدگاه دوم

این دیدگاه مبنای الزام‌آور شدن رأی داوری و تعیین زمان آن را قانون کشور مبدأ نمی‌داند. در این دیدگاه هرگونه مراجعه به قانون کشور مبدأ در خصوص تعیین زمان لازم الاجرا شدن رأی داوری رد شده و طرفداران آن بر این اعتقاد هستند که رأی الزام‌آور رأیی نیست که لزوماً در کشور مبدأ لازم الاجرا باشد. در این دیدگاه‌ها، وضعیت رأی داوری از حیث الزام‌آوری تابع وضعیت آن در کشور مبدأ نیست. در یک تفسیر از معتقدین به این نظر، رأی داوری تنها وقتی الزام‌آور نخواهد بود که نزد دیوان داوری ثانویه مرحله دوم مورد تجدیدنظر خواهی واقع شده باشد و یا اینکه الزام‌آور شدن آن مشروط به تحقق وقایع دیگری شده باشد.<sup>۱</sup> تفسیر دیگری نیز که در این دسته‌بندی قابل گنجاندن است تفسیر دادگاه تجدیدنظر بروکسل در پرونده سی. آی. ای. جی. آی. در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۷ است.<sup>۲</sup> طبق نظر دادگاه مذکور لازم الاجرا بودن رأی داوری می‌بایست بر مبنای قصد و نیت طرفین تشخیص داده شود.

طبیعی است که مدافعان داوری غیرمحلّی نیز مبنای الزام‌آور شدن رأی داوری و تعیین زمان آن را نه تنها قانون کشور مبدأ نمی‌دانند، بلکه معتقد هستند که باید رأی داوری را به محض صدور لازم اجرا دانست و لذا مبنا قراردادن قوانین کشور مبدأ سالبه به انتفای موضوع است. در این راستا پالسون با ذکر مثالی توضیح می‌دهد: «تصور کنید که داوری در کشور الف صورت گرفته و رأی در آنجا صادر شده است. تصور کنید که دادگاه‌های آن کشور واجد اختیار ابطال رأی داوری در صورت احراز اشتباه حکمی آشکار در رأی داوری هستند و در آنجا امکان تجدیدنظر خواهی از رأی داوری وجود دارد. حالا بیشترین نظام‌های قضایی کشورها اصل نزاکت را اعمال نموده و آماده اجرای رأی داوری خارجی به شرطی هستند که متعاقد شوند که رأی «الزام‌آور» است. حال برای تشخیص اینکه رأی صادره در کشور الف الزام‌آور است یا خیر باید به قانون آن کشور مراجعه کرد. قانون آن کشور نیز ممکن است بگوید که در صورتی رأی داوری الزام‌آور خواهد بود که از آن تجدیدنظر خواهی نشده باشد. اما در همین

1. David, Rene, "Arbitration in International Trade", Kluwer Law and Taxation Publishers, 1985, p.441.  
2. Compagnie Inter-Arab de Gaeantie des Investissements(CIAGI) v. BanqueArabe et Internationaled'Investissement (BAII) 1998, Rev.Arb.181.

زمان هیچ چیز مانع کشور ب از وضع یک قاعده مبنی بر الزام آور دانستن چنین رأیی نخواهد شد» (Paulsson, 1981: 363).<sup>۱</sup>

این در حالی است که کنوانسیون نیویورک با وضع قاعده مندرج در صدر ماده (ه) (۱) ۵، ضرورتاً آراء داوری را به محض صدور لازم الاجرا اعلام نکرده، بلکه یک ظرف زمانی را، که لزوماً زمان صدور رأی داوری نیست، برای لازم الاجرا دانستن رأی داوری مفروض دانسته است.

در همین راستا برخی نویسندگان دیگر نیز<sup>۲</sup> در جهت توجیه اعتقاد خود به بی تأثیر بودن جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ بر خصوصیت الزام آوری رأی داوری به کنوانسیون نیویورک استناد کرده‌اند. آنان برای توجیه این دیدگاه دو دلیل ارائه می‌کنند: اول اینکه به موجب ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک، تنها مانع اجرای رأی داوری ابطال رأی داوری است و نه صرف اعتراض به رأی داوری و تقاضای ابطال آن. دوم اینکه بر اساس ماده ۶ کنوانسیون نیویورک، دادگاه محل اجرا صرفاً اختیار توقف اجرای رأی داوری را که در خصوص آن دعوای ابطال مطرح شده است دارد و نمی‌توان به این دلیل تقاضای اجرا را رد کرد. اما به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از دلایل مطرح شده وافی به مقصود نویسندگان فوق نیست. اولاً صدر ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک به طور صریح و بدون هر گونه ابهام، لازم اجرا نبودن رأی داوری در کشور مبدأ را هم‌سنگ ابطال رأی داوری قلمداد نموده و حتی آن را مقدم بر ابطال رأی داوری ذکر نموده و هر دو را موجب امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری دانسته است. در واقع، در این وضعیت، این صرف جریان اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ نیست که مانع اجرای آن در دیگر کشورها می‌گردد، بلکه این اثر صرف دادرسی اعتراض به رأی داوری است که به طور مستقیم مانع الزام آور شدن رأی داوری در کشور مبدأ گردیده و آنگاه به طور غیرمستقیم موجبی برای امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری به شمار می‌رود. ثانیاً، ماده ۶ کنوانسیون نیویورک نه تنها مؤید دیدگاه فوق نیست، بلکه خود تأییدی است بر تبعیت وضعیت رأی داوری در صحنه جهانی، از وضعیت آن در کشور مبدأ. به همین دلیل در صورتی که رأی داوری در کشور مبدأ الزام آور نشده باشد، اصلاً قابلیت اجرا نخواهد داشت و لذا اصلاً نوبت به اعمال ماده ۶ کنوانسیون نمی‌رسد. باید عنایت نمود که ماده موصوف مقرر نمی‌دارد که در دو صورت مندرج در صدر ماده، یعنی صدور حکم ابطال یا تعلیق از دادگاه‌های کشور مبدأ، دادگاهی که از وی تقاضای شناسایی و اجرای رأی داوری به عمل آمده است، اجرای رأی داوری را معلق نموده و یا رأی را اجرا خواهد کرد، بلکه مقرر می‌دارد که این دادگاه

1. Paulsson Jan, "Arbitration Unbound: Award Detached From the Law of its Country of Origin", the International and Comparative Law Quarterly, (1981), Vol. 30, p. 363  
2. Freyer, Dana H. & Gharavi, Hamid G., "Finality and Enforceability of Foreign Arbitral awards: From "Double Exequature" to the Enforcement of Annulled Awards: A Suggested Path to Uniformity Amidst Diversity", World Bank's ICSID Foreign Investment Law Journal, Spring 1998, Vol. 13, No. 1, p. 104.

تصمیم‌گیری در خصوص تقاضای اجرا را به تأخیر خواهد افکند. یعنی مفهوم مخالف این ماده این نیست که اگر در خصوص رأی داوری از دادگاه مبدأ حکم تعلیق یا ابطال صادر نشده باشد، دادگاه کشور محل اجرا لزوماً باید رأی را اجرا کند، بلکه باید در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری خود را به تعویق افکند. لذا در تصمیم‌گیری راجع به اجرای رأی داوری که علی‌القاعده باید منطبق با دیگر مواد کنوانسیون نیویورک از جمله صدر ماده (ه) (۱) ۵ باشد، رأی باید در کشور مبدأ لازم‌الاجرا باشد. لذا نمی‌توانیم قائل بر این گردیم که مفهوم مخالف ماده ۶ به دادگاه محل تقاضای اجرا اجازه می‌دهد که در صورت مطرح بودن دادرسی اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ، اصول و قواعد اولیه مندرج در کنوانسیون را نادیده گیرد. به همین دلیل، دادگاه محل اجرا در وهله نخست باید بررسی نماید که آیا رأی داوری در کشور مبدأ الزام‌آور شده است یا خیر. در صورت نخست، اصلاً موضوع از قلمرو ماده ۶ کنوانسیون خروج موضوعی خواهد داشت، چرا که به طور منطقی موضوع ماده ۶ کنوانسیون باید رأی داوری الزام‌آور باشد و آراء داوری‌ای که هنوز الزام‌آور نگردیده‌اند در حیطه شمول آن قرار نمی‌گیرند. بنا به مراتب، در صورتی که رأی داوری که تقاضای شناسایی و اجرای آن به عمل آمده است الزام‌آور شده باشد، در این صورت چنین رأیی مشمول ماده ۶ کنوانسیون شده و قاعده مندرج در ماده مرقوم در مورد آن قابل اعمال خواهد بود.

به موجب کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو، صرف تقاضای ابطال رأی داوری در کشور مقرر، صرف‌نظر از دیدگاه کشور مبدأ در خصوص زمان لازم‌الاجرا شدن رأی داوری، برای امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری در دیگر کشورهای متعاقد کافی بود.<sup>۱</sup> جامعه جهانی با تصویب کنوانسیون نیویورک به صورت کنونی، با هدف تسهیل امکان اجرای رأی داوری در سطح بین‌المللی با دو اقدام، از نظام کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو اعراض نمود؛ ۱- برداشتن بار اثبات اعتبار و لازم‌الاجرا بودن رأی داوری در کشور مبدأ از دوش خواهان؛ و ۲- مقرر داشتن تبعیت کامل رأی داوری از قانون کشور مبدأ.

کنوانسیون نیویورک وظیفه خواهان در مراجعه به دادگاه‌های هر دو کشور مبدأ و مقصد و اخذ دستور اجرا از هر دو، را با استوار نمودن فرض اعتبار رأی داوری در کشور مبدأ، و بر عکس نمودن بار اثباتی موضوع،<sup>۲</sup> از جمله با جانشین نمودن اصطلاح نهایی با اصطلاح *الزام‌آور*، همراه با حذف *نظام اجرائی دوگانه*، از بین برد. همچنین کنوانسیون نیویورک برخلاف کنوانسیون ژنو که به طور مستقیم و بدون توجه به قانون کشور مبدأ در خصوص زمان لازم‌الاجرا شدن رأی داوری، زمان لازم‌الاجرا شدن رأی داوری را زمان نهایی شدن رأی داوری در کشور مبدأ اعلام کرده بود، بر

1. See. Van den Berg, "The New York Arbitration Convention of 1958", p.353

2. Gaillard & Savage, op.cit, p.972.



اصل لزوم تبعیت دقیق وضعیت رأی داوری در تمام کشورهای متعاهد از وضعیت آن در کشور مبدأ تأکید نموده است. لذا کنوانسیون نیویورک هیچ مقررہ مستقیمی در خصوص زمان لازم الاجرا شدن رأی داوری ارائه نکرده و تعیین این زمان را به قانون کشور مبدأ محول نموده است. در عین حال، این امر شاهد دیگری بر بقای قاعده سنتی تابعیت ملی رأی داوری در کنوانسیون نیویورک است. در واقع می‌توان گفت که بدین طریق، فقط شکل و آیین اجرای رأی داوری در سطح بین‌المللی تغییر کرد و قواعد مسلم و شناخته شده بین‌المللی حاکم بر داوری‌ها همچنان به بقای خویش ادامه داد. لذا الزام آور بودن یک خصوصیت مربوط به رأی داوری است که می‌بایست کاملاً طبق قانون متبوع آن، یعنی قانون کشور مبدأ، که به نوعی در حکم قانون شخصی رأی داوری است، مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر به طور کامل بستگی به قانون کشور مبدأ خواهد داشت و به هر دلیل که طبق قانون مبدأ رأی داوری الزام آور نباشد، از جمله آنکه رأی داوری برای الزام آور شدن نیاز به تأیید دادگاه داشته باشد (همچون آراء داوری آمریکایی)<sup>۱</sup> و یا اینکه اعتراض به رأی داوری، به هر دلیل، از دیدگاه قانون مبدأ مانع الزام آور شدن رأی داوری گردد. صدر ماده (۵) (۱) ۵ کنوانسیون قابل اعمال خواهد بود.

## ۲- تعلیق اجرا در مقصد

اگر تعلیق اجرا در مقصد به علت تعلیق اجرای رأی داوری در مبدأ را، با تسامح، از آثار جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری بدانیم، می‌توانیم تعلیق اجرا در مقصد در نتیجه جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری در مبدأ را به دو بخش ذیل تقسیم‌بندی کنیم:

### ۲-۱- تعلیق اجرا در مقصد وفق ماده (۵) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک

تعلیق اجرا در مقصد، بر اساس تعلیق اجرای رأی داوری توسط دادگاه‌های کشور مبدأ وفق ذیل ماده (۵) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک، می‌تواند از مهم‌ترین آثار دادرسی اعتراض به رأی داوری به شمار رود. ممکن است دادگاه‌های کشور مبدأ، برحسب قوانین این کشور، در جریان رسیدگی به اعتراض به رأی داوری تصمیم به توقیف و تعلیق اجرای رأی داوری بگیرند. در واقع در چنین وضعیتی دادگاه رسیدگی‌کننده به اعتراض ممکن است با عنایت به جمیع جهات و قوت ادله اعتراض، و در صورت لزوم با أخذ تأمین از معترض، نسبت به توقیف و تعلیق اجرای رأی داوری اقدام نماید. صلاحیت دادگاه کشور مبدأ در تعلیق اجرای رأی داوری، و اثر فراسرزمینی حکم تعلیق صادره از دادگاه‌های مبدأ در این خصوص، مورد تصدیق ماده ۵ کنوانسیون نیویورک قرار گرفته است که البته

1. Kratovil, Christopher, "Judicial Review of Arbitration Awards in the Fifth Circuit", ST. Marys' Law Journal, Vol.38, 2007, p.476.

ترتیب اثر دادن عملی به آن، همانند حکم ابطال رأی داوری، تا حد زیادی بستگی به کشور یا کشورهای محل اجرا و تفسیر و قرائت آن‌ها از ماده (ه) (۱) کنوانسیون نیویورک دارد. برای مثال، دیوان تمیز فرانسه در پرونده پالیش ارشن لاین در سال ۱۹۹۳ چنین رأی داد که تصمیم دادگاه‌های کشور مبدأ در تعلیق قابلیت اجرای رأی داوری نمی‌تواند مانع اجرای رأی داوری در فرانسه گردد (Gaillard & Savage, op.cit: 914).

کنوانسیون نیویورک یکی از موارد امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی را ابطال یا تعلیق رأی داوری در کشور مبدأ دانسته است. به همین دلیل اگر دادگاه‌های کشور مبدأ تصمیم به تعلیق اجرای رأی داوری صادره بگیرند، به موجب کنوانسیون، همین تصمیم، خود، یکی از موارد عدم شناسایی و اجرای رأی داوری در کشور محل تقاضای اجرا می‌باشد. لذا کشور مبدأ دارای این حق و صلاحیت خواهد بود که اقدام به اتخاذ تصمیم قضایی در خصوص تعلیق رأی داوری بنماید و مبانی آن همان مبانی صلاحیت دادگاه‌های مبدأ در ابطال آراء داوری است و تنها تفاوت این دو تصمیم قضایی در دائمی یا موقت بودن آن‌هاست.

باید عنایت داشت که طبق منطوق ماده (ه) (۱) کنوانسیون نیویورک، اثر بین‌المللی تعلیق رأی داوری توسط دادگاه‌های مبدأ دقیقاً همانند اثر بین‌المللی حکم ابطال رأی داوری، یعنی عدم اجرای رأی داوری، خواهد بود. اما بدیهی است که نظر به طبیعت موقتی و غیردائمی تصمیم تعلیق صادره از دادگاه‌های مبدأ، این عدم اجرا در دیگر کشورها نیز، حسب نتیجه و تا تعیین تکلیف موضوع در دادرسی اعتراض به رأی در مبدأ، ممکن است غیردائمی و موقتی باشد و در صورت موفقیت کامل و دائمی معترض در دادرسی مربوطه و ابطال رأی داوری، عدم اجرای رأی نیز صورت دائمی به خود خواهد گرفت. اما در صورت ناکامی محکوم علیه داوری در دادرسی ابطال و رد اعتراض وی به رأی داوری، حکم تعلیق نیز سالبه به انتفای موضوع و کان لم یکن شده و اثر داخلی و بین‌المللی آن نیز زائل گردیده و رأی، چه در کشور مبدأ و چه در کشورهای دیگر قابلیت اجرا خواهد یافت، مگر اینکه رأی داوری به دلیل دیگری در کشور محل تقاضای اجرا، با یکی دیگر از موجبات امتناع از شناسایی و اجرا مواجه گردد.

باید به خاطر داشت که برای امکان اعمال قسمت اخیر ماده (ه) (۱) کنوانسیون حتماً می‌بایست تصمیم قضایی بر ابطال یا تعلیق اجرا از دادگاه‌های کشور مبدأ صادر شود و ماده مذکور صرفاً براساس یکی از این دو تصمیم قضایی قابل اعمال است. در همین خصوص گفته شده است که اگر وفق قانون یک کشور، صرف اعتراض به رأی داوری موجب تعلیق اجرای آن باشد، این وضعیت، یعنی تعلیق اجرای رأی به علت به کار افتادن خودکار قانون، نمی‌تواند موجبی برای اعمال

ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون باشد (Van den Berg, op.cit: 358). این بیان در خصوص قسمت آخر ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون کاملاً صحیح ولی در مورد صدر ماده اشتباه است، مگر آنکه معتقد باشیم عدم امکان اجرای رأی بر اثر اعتراض به رأی در کشور مبدأ به علت پیش‌بینی قانون، به معنی الزام آور بودن رأی داوری نیست و به نظر می‌رسد قائلین این دیدگاه بر این اعتقاد هستند. در ضمن نویسنده مذکور معتقد است که تعلیقی که ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک به آن ارجاع می‌دهد تعلیقی است که به وسیله «مرجع صالح» کشور مبدأ دستور داده شده باشد. بنابراین برای تصمیم‌گیری در خصوص اینکه آیا یک رأی داوری تعلیق یا ابطال شده است یا نه، دادگاه محل اجرا می‌بایست به این نظر کنند که دادگاه کشور مبدأ در این خصوص چه کرده است، یعنی اینکه آیا رأی را معلق یا ابطال کرده است یا خیر و نباید به قوانین آن کشور نظر افکنده شود.<sup>۱</sup>

به هر حال، در صورت عدم احراز شرایط مندرج در ماده ۵ کنوانسیون، معترض می‌بایست برای جلوگیری از اجرای رأی داوری در کشورهای مقصد، وفق ماده ۶ کنوانسیون نیویورک مستقیماً دست به دامن دادگاه‌های این کشورها گردد.

## ۲-۲- تعلیق اجرا در مقصد طبق ماده ۶ کنوانسیون نیویورک

امکان تعلیق اجرای رأی داوری در مقصد، به صرف دادرسی اعتراض به رأی داوری در دادگاه‌های کشور مبدأ، بر اساس ماده ۶ کنوانسیون نیویورک، از تبعات جریان صرف دادرسی اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ می‌باشد. در صورت اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ، و علی‌القاعده الزام آور بودن رأی داوری، و عدم صدور حکم تعلیق رأی داوری از دادگاه‌های مبدأ،<sup>۲</sup> محکوم علیه داوری می‌تواند از مقررات ماده ۶ کنوانسیون نیویورک استفاده نموده و از دادگاه‌های مقصد تقاضای به تعویق انداختن تصمیم‌گیری راجع به اجرای رأی داوری را به عمل آورد. ماده ۶ کنوانسیون نیویورک، که یکی از اهداف آن جلوگیری از صدور تصمیمات قضایی معارض در کشورهای مبدأ و مقصد است، مقرر می‌دارد: «در صورتی که ابطال یا تعلیق رأی داوری از مرجع صالح تقاضا شده باشد، مرجعی که سعی می‌شود رأی نزد وی مورد استناد قرار گیرد در صورتی که مناسب ببیند می‌تواند تصمیم‌گیری در خصوص اجرای رأی را به تأخیر اندازد ...»

در صورتی که رأی داوری در کشور مبدأ ابطال یا معلق شده باشد، وفق ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، دادگاه‌های اجرا باید، یا حداقل اینکه می‌توانند، از اجرای رأی داوری خارجی خودداری کنند. در واقع عدم اجرای مذکور، اثر بین‌المللی تصمیم اتخاذ شده از سوی دادگاه‌های کشور مبدأ

1. Van Den Berg. Albert Jan, New York Convention of 1958: Refusals of Enforcement, ICC International Court of Arbitration Bulletin, Vol. 18, No.2, 2007.

۲. صدور حکم تعلیق از دادگاه مبدأ مانع اعمال ماده ۶ نیست، ولی نیاز به آن را منتفی می‌کند.

دائر بر تعلیق رأی داوری، همانند حکم صادره دائر بر ابطال رأی داوری بوده و بیشتر یک تصمیم شکلی، و نه ماهوی، است. اما دایره شمول ماده ۵ محدود به مواردی است که قبلاً دادرسی اعتراض به رأی داوری به عمل آمده و منجر به صدور حکم ابطال یا تصمیم به تعلیق رأی داوری گردیده باشد. در این موارد دادگاه‌های محل اجرا جهت اعمال این بند از ماده ۵ کنوانسیون از خود ابتکار عمل نشان نمی‌دهند و صرفاً به تصمیم قضایی دادگاه‌های کشور مبدأ دائر بر تعلیق رأی داوری ترتیب اثر می‌دهند. اما اگر به‌رغم طرح اعتراض از جانب محکوم علیه داوری در مرجع صالح، مرجع مذکور هنوز در این خصوص تصمیمی اتخاذ ننموده و حکمی دائر بر ابطال یا حداقل تعلیق رأی داوری صادر ننموده باشد، و در عین حال محکوم‌له داوری از یکی از کشورهای با صلاحیت‌های قضایی ثانویه تقاضای شناسایی و اجرای رأی داوری را به عمل آورده باشد، مرجع اخیر می‌تواند وفق ماده ۶ کنوانسیون نیویورک، در صورتی که اعتراض معترض را مقرون به صواب تشخیص دهد، بنا بر تقاضای محکوم علیه داوری (معترض به رأی داوری و خواننده اجرا)، با بررسی ماهوی موضوع، اتخاذ تصمیم در خصوص تقاضای اجرای رأی داوری را به تأخیر اندازد.

کنوانسیون نیویورک تصمیم‌گیری در خصوص این امر را به طور کامل به دادگاه‌های کشور مقصد واگذار نموده است که با ارزیابی موجبات و دلایل تقاضای ابطال رأی داوری، به ارزیابی مسئله پرداخته و با در نظر گرفتن احتمال واقعی ابطال رأی داوری در کشور مبدأ، با برخورداری از اختیار و قدرت تشخیصی و صلاحدید کامل،<sup>۱</sup> تصمیم لازم را اتخاذ نمایند. ماده ۶ کنوانسیون نیویورک مقرر می‌دارد که اعتراض مطرح در دادگاه‌های کشور مبدأ، بدون هرگونه الزام و اجبار، به دادگاه محل اجرا اجازه می‌دهد که «تصمیم خود را در خصوص شناسایی و اجرای رأی» به تعویق انداخته و به زمان دیگری موکول کند، مگر آنکه وفق صدر ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک، اعتراض به رأی داوری مانع الزام آور شدن رأی داوری شده باشد که در اینجا دادگاه مقصد باید از اجرا امتناع نماید، و نه اینکه تصمیم‌گیری در خصوص اجرا را به تأخیر افکند. دادگاهی که از وی تقاضای شناسایی و اجرای رأی داوری به عمل آمده است در اینجا اختیار دارد که با توجه به مطرح بودن اعتراض به رأی در کشور مبدأ و با بررسی ماهوی مسئله و در نظر گرفتن جمیع اوضاع و

1. Gaillard & Savage, op.cit, p 982

۲. در دعوی گوتاورکن، محکوم علیه داوری از دیوان عالی کشور سوئد تقاضای به تعویق انداختن تصمیم‌گیری راجع به اجرای رأی داوری را به عمل آورد و استدلال کرد که چون وی دعوی ابطال رأی مذکور را در پاریس مطرح نموده است، لذا تصمیم‌گیری در خصوص اجرای رأی مذکور می‌بایست به تعویق افتد. دیوان عالی کشور سوئد پس از اشاره به اینکه ماده ۶ کنوانسیون به دادگاه اجرائی اختیار به تعویق انداختن یا نینداختن تصمیم‌گیری در خصوص اجرای رأی داوری را اعطاء کرده است، تقاضای وی را به دلیل عدم وجود شرایطی که به تعویق انداختن تصمیم‌گیری در خصوص اجرای این رأی را توجیه بنماید رد کرد. این تصمیم دیوان عالی کشور سوئد مورد انتقاد قرار گرفته است؛ ر.ک: Van den Berg, The New York Arbitration Convention of 1958, p.354.

احوال و قدرت و قوت دلایل اعتراض مذکور و موجبات مربوطه، شناسایی و اجرای رأی داوری را به تعویق انداخته و تا تعیین تکلیف اعتراض مذکور، از تصمیم‌گیری در خصوص اجرای احتمالی رأی خودداری نماید و یا اینکه با نادیده گرفتن روند اعتراض موجود در دادگاه کشور مبدأ، در خصوص شناسایی و اجرای رأی داوری تصمیم خود را اتخاذ نماید. علی القاعده این تعویق تصمیم‌گیری تا زمان تعیین تکلیف قطعی دادرسی اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ به طول خواهد انجامید و تصمیم‌گیری نهایی راجع به پذیرش و یا حتی رد تقاضای اجرا، به تأخیر افتاده و منوط به مشخص شدن نتیجه دادرسی اعتراض به رأی در مبدأ می‌گردد.

برای درک صحیح ماده ۶ می‌بایست درک درستی از ماده (ه) (۱) ۵ وجود داشته باشد. در عین حال که این مواد کاملاً با یکدیگر مرتبط هستند، با این حال جایگاه و کاربردهای متفاوتی دارند. ماده (ه) (۱) ۵ کنوانسیون نیویورک به دادگاه اجازه یا دستور می‌دهد که در صورت تحقق شرایط مندرج در آن مقرر از اجرای رأی داوری خارجی خودداری کند، در حالی که ماده ۶ به دادگاه اجازه می‌دهد که تا اتخاذ تصمیم دادگاه در کشور مبدأ در خصوص دعوی ابطال موضوع ماده ۵، تصمیم‌گیری در خصوص اجرای رأی را به تعویق اندازد تا اگر بعداً شرایط اعمال ماده ۵ فراهم گردید زمینه اعمال آن از بین نرفته باشد. لذا ماده (ه) (۱) ۵ دلیل وجودی ماده ۶ کنوانسیون نیویورک است. تفاوت اصلی ماده ۶ با ماده ۵ در این است که در عدم اجرای حکم در کشور مقصد ناشی از رعایت ماده ۵ کنوانسیون، دادگاه‌های کشور مقصد خود هیچ نقشی در سنجش و ارزیابی اعتبار و صحت وقوت دلایل اعتراض ندارند و به صرف لازم‌الاجرا نشدن رأی در کشور مبدأ و یا ارائه حکم تعلیق یا ابطال رأی داوری صادره از دادگاه‌های مبدأ، اجرای حکم در کشور مقصد منتفی یا معلق می‌گردد. اما در تعلیق اصطلاحی ماده ۶ کنوانسیون، دادگاه‌های کشور مقصد رأساً اقدام به ارزیابی و سنجش اعتبار و صحت و قوت دلایل اعتراض پرداخته و مستقلاً در خصوص تعویق یا عدم تعویق تصمیم‌گیری راجع به اجرا اقدام می‌نمایند و طبیعی است که مرجع مربوطه نظرات خاص خود را نیز در این خصوص اعمال نموده و دخالت خواهد داد. از نگاه دیگر، نظر به اثر فراسرزمینی احکام قضایی صادره از کشور مبدأ در خصوص رأی داوری اعم از ابطال و تعلیق، در این موارد، عدم اجرای رأی داوری در مقصد تا تعیین تکلیف دادرسی ابطال در مبدأ قطعی و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حال آنکه در اعمال ماده ۶ کنوانسیون همه چیز بستگی به اراده دادگاه کشور مقصد خواهد داشت. البته ممکن است این ماده برای تأخیر در اجرای رأی داوری توسط محکوم علیه مورد سوء استفاده قرار گیرد. دقیقاً به همین دلیل دادگاه محل اجرا واجد این اختیار است که طبق تشخیص خود، رأی داوری مربوطه را اجرا نموده و یا اجرای آن را معلق نماید. لذا با اعطای

این اختیار، ماده ۶ بین تقاضای ابطال رأی داوری که صرفاً با انگیزه ایجاد تأخیر در اجرای رأی صورت می‌گیرد و حق محکوم‌علیه با حسن نیت برای اعتراض به رأی در کشور مبدأ تعادل برقرار می‌کند.

ماده ۶ کنوانسیون هیچ اشاره‌ای به اینکه در اعمال این اختیار چه معیارهایی به کار گرفته می‌شود نمی‌کند، ولی صریحاً گفته شده<sup>۱</sup> که دادگاه محل اجرا می‌بایست در اعمال اختیار مذکور این موارد را در نظر بگیرد؛ تقاضای ابطال به درستی به مرجع صالح کشور مبدأ و تقاضای تعلیق اجرا به دادگاه مربوطه در محل اجرا تقدیم شده باشد، تقاضای ابطال واجد شانس موفقیت واقعی و جدی باشد و به طور کلی هر عامل دیگری که با این اعمال اختیار دادگاه موصوف مرتبط باشد، طبیعتاً بار اثبات وجود شانس واقعی موفقیت برای تقاضای ابطال رأی داوری در کشور مبدأ بر عهده متقاضی تعلیق است. رویه قضایی برخی کشورها نیز نشانگر این است که دادگاه‌ها زمانی نسبت به اعمال ماده ۶ کنوانسیون اقدام می‌نمایند که نظر مناسبی نسبت به امکان ابطال رأی داوری در کشور مبدأ داشته باشند (Rena, 2005: 69).

باید به یاد داشت که تصمیم دادگاه‌های هر یک از کشورهای واجد صلاحیت قضایی ثانویه در اعمال ماده ۶ کنوانسیون در به تعویق انداختن تصمیم‌گیری راجع به اجرای رأی داوری صرفاً محدود به قلمرو همان کشور است. در عین حال ممکن است محکوم‌له داوری در همین زمان در کشور دیگری، به ویژه در کشوری همچون فرانسه که برای احکام قضایی خارجی ابطال رأی داوری اثر فراسرزمینی قائل نیست، موفق به اجرای رأی گردد. طبیعتاً دادگاه‌های کشور اخیر ماده ۶ کنوانسیون را اعمال نخواهند کرد و از دید آن‌ها ماده ۶ کنوانسیون حاوی مقرره‌ای زائد و سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

از جمله عوامل دیگری که دادگاه مقصد می‌بایست در نظر داشته باشد لطمه‌ای است که ممکن است طرفین از تعلیق و یا عدم تعلیق اجرا متحمل گردند. نیز اموری همچون موجود بودن منابع کافی برای اجرای رأی داوری و حجم و مبلغ رأی و وضعیت مالی طرفین می‌بایست در نظر گرفته شوند. در هر حال چون ممکن است اطالۀ زمان خساراتی را متوجه محکوم‌له داوری نموده و حتی اجرای رأی داوری، را در صورت ناکامی معترض در اعتراض به رأی داوری در کشور مبدأ، با تعذر و تعسر مواجه نماید، دادگاه مقصد می‌تواند به متقاضی تعلیق دستور دهد تأمین مناسب بسپارد. وفق متن ماده مذکور اخذ تأمین موصوف، ولو مورد تقاضای محکوم‌له داوری هم باشد، از اختیارات دادگاه مقصد بوده و الزامی نیست.

1. Secomb, Matthew, "Suspension of the Enforcement of Awards under Article VI of the New York Convention", *International Arbitration Law Review*, 2002, p.21.

## نتیجه‌گیری

اصل تبعیت وضعیت رأی داوری در صحنه بین‌المللی از وضعیت آن در عرصه ملی و داخلی بر تمام شتون نهاد داوری حکمفرما است. به همین دلیل در جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری و قبل از پایان و مشخص شدن نتیجه نهایی آن، و حتی قبل از آغاز این جریان و در مهلت قانونی طرح اعتراض، برای تشخیص آثار فراسرزیمینی و خارجی اعتراض به رأی داوری، می‌بایست در وهله نخست به وضعیت آن در کشور مبدأ نظر کرد. در صورت لازم الاجرا نشدن رأی داوری در کشور مبدأ به هر علت، از جمله به علت طرح دادرسی اعتراض به رأی داوری و یا بقای مهلت آن، علی‌القاعده باید امکان اجرای آن در سطح جهانی منتفی باشد. در صورتی هم که رأی داوری، به‌رغم اعتراض به آن در کشور مبدأ لازم اجرا شده باشد، جریان دادرسی اعتراض به رأی داوری می‌تواند، همراه با تصمیم قضایی دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض به رأی داوری به تعلیق اجرای آن از مجرای ماده ۵ کنوانسیون جهان‌شمول نیویورک، و در غیر این صورت از طریق اعمال ماده ۶ کنوانسیون مذکور، موقتاً مانع اجرای رأی داوری در دیگر کشورها شده و به این طریق اثر فراسرزیمینی خود را به نمایش بگذارد.

## منابع

### الف - فارسی

۱. جنیدی، لعیا، *اجرای آراء داوری بازرگانی خارجی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران، ۱۳۸۱.
۲. سلجوقی، محمود، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، (جلد دوم - تعارض قوانین و تعارض صلاحیت دادگاه‌ها)، نشر میزان، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۶.
۳. نیک بخت، حمیدرضا، *شناسایی و اجرای آراء داوری‌های تجاری بین‌المللی در ایران*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

### ب - لاتین

4. David, Rene; 1985, "**Arbitration in International Trade**", Kluwer Law and Taxation Publishers.
5. Freyer, Dana H; &Gharavi, Hamid G; 1998, "**Finality and Enforceability of Foreign Arbitral awards: From (Double Exequatur) to the Enforcement of Annulled Awards: A Suggested Path to Uniformity Amidst Diversity**", World Bank's ICSID Foreign Investment Law Journal, Vol.13, No.1.
6. Gaillard ,Emmanuel, & Savage, John; 1999, "**Fouchard,Gaillard,Goldman on International Commercial Arbitration**", Kluwer Law International.
7. Kazutake ,Okuma; 2005, "**Confirmation, Annulment, Recognitin and Enforcement of Arbitral Awards**",TheSeinat Law Review,Vol.37, No.4.
8. Kratovil,Christopher; 2007, "**Judicial Review of Arbitration Awards in the Fifth Circuit**", ST. Marys Law Journal, Vol.38.

9. Paulsson ,Jan; 1981, "**Arbitration Unbound: Award Detached From the Law of its Country of Origin**", the International and Comparative Law Quarterly, Vol. 30.
10. Rena ,Rico; 2005, "**Searching for Standards: Suspension of Enforcement Proceeding under Article VI of The New York Convention**", Asian International Arbitration Journal, Vol. 1, No. 1.
11. Secomb, Matthew; 2002, "**Suspension of the Enforcement of Awards under Article VI of the New York Convention**", International Arbitration Law Review.
12. Van den Berg; Albert Jan; 1987, "**New York Convention of 1958, Commentary Cases**", Yearbook of Commercial Arbitration, Kluwer Law and Taxation Publishers, Volume XII.
13. Van den Berg; Albert Jan; 1981, "**The New York Arbitration Convention of 1958**", Kluwer Law and Taxation Publishers.
14. \_\_\_\_\_ ; 2007, "**New York Convention of 1958: Refusals of Enforcement**", ICC International Court of Arbitration Bulletin, Vol. 18, No.2.